

علمی پژوهشی

جنسیت و مهاجرت‌های بین‌المللی: ملاحظات نظری، رویه‌های عملی

سعیده سعیدی^۱

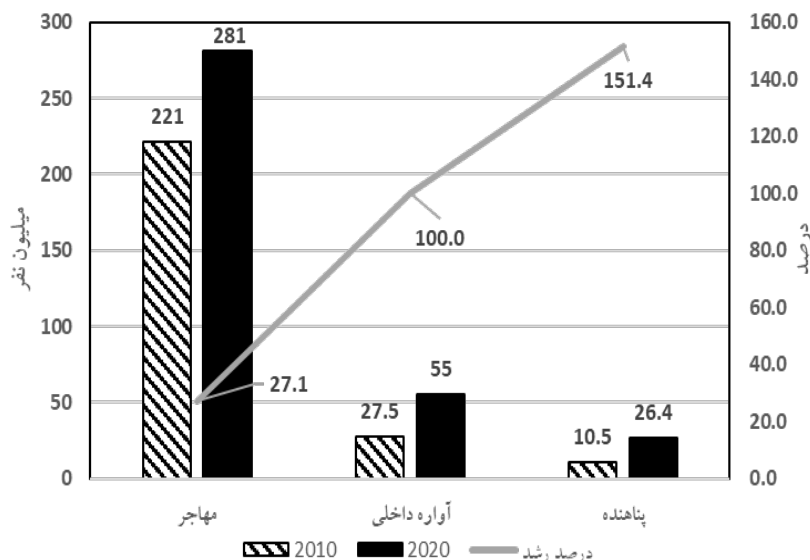
چکیده:

مهاجرت فرایندی جنسیتی است زیرا دلایل، مسیرها، الگوها و پیامدهای مهاجرت برای مردان و زنان متفاوت است. از اینرو، نه تنها بایستی فرایند مهاجرت را از لنز جنسیتی مورد مطالعه قرار داد بلکه نظام داده‌ای و سیاست‌های مهاجرتی نیز بایستی مبتنی بر ماهیت جنسیتی جریان‌های مهاجرتی باشد. به طور کلی الگوهای سنتی مهاجرت بیشتر مردگزين بوده و زنان به تبعیت از مردان مهاجرت می‌کردند که امروزه در حال تغییر است و با افزایش عاملیت، زنان به تدریج از تابعان مهاجرت به عاملان مهاجرت مبدل شده‌اند. این پژوهش مبتنی بر روش اسنادی درصدد بسط مفهومی و نظری حوزه مطالعات مهاجرت و پاسخگویی به این سوال است که مهاجرت‌های بین‌المللی از منظر ملاحظات جنسیتی به چه شکلی صورت‌بندی می‌گردد؟ در این پژوهش هر سه بعد چرخه مهاجرت (برون‌کوچی، دیاسپورا و بازگشت) از دریچه جنسیت مورد مذاقه قرار خواهد گرفت.

واژگان کلیدی: جنسیت، مهاجرت‌های بین‌المللی، دیاسپورا، مرز، برون‌کوچی، مهاجرت بازگشتی

بیان مسئله

جابجایی افراد در بسترهای فرامرزی در دو دهه اخیر رشد چشمگیری یافته و مهاجرت و پناهندگی به یکی از مهمترین مباحث محوری روابط بین‌الملل تبدیل شده است. افراد با هدف دستیابی به امنیت و رفاه و تامین معیشت چه در داخل مرزهای ملی و چه به دلیل توسعه فناوری ارتباطات و اطلاعات و سهولت حمل و نقل در ورای مرزهای جغرافیایی به مهاجرت دست می‌زنند. تعداد مهاجران با رشدی شتابان از ۲۲۱ میلیون در سال ۲۰۱۰ به ۲۸۱ میلیون نفر در سال ۲۰۲۰ رسیده است (گزارش سازمان ملل متحد ۲۰۲۱)؛ از این تعداد ۳۶.۱ میلیون نفر را کودکان تشکیل داده و سهم زنان ۴۷.۹ درصد است و ۷۴ درصد از این افراد در سن کار (۶۴-۲۰ سال) قرار دارند. همچنین تعداد آوارگان در این سال به بیش از ۸۲.۴ میلیون نفر افزایش یافته است.



شکل ۱. نمودار رشد آمار مهاجرت‌های بین‌المللی داوطلبانه و اجباری

نکته حائز اهمیت در تحلیل شکل شماره ۱ تفاوت درصد رشد آمار در مهاجرت‌های داوطلبانه (جمعیت مهاجران) و مهاجرت‌های اجباری (جمعیت آوارگان داخلی، پناهنده‌ها و پناهندگان) است. در طی یک دهه مهاجرت‌های داوطلبانه ۲۷ درصد رشد داشته در حالی که حوزه آوارگان داخلی بیش از ۱۰۰ درصد و حوزه پناهندگان با بیش از ۱۵۴ درصد رشد مواجه شده‌اند. افزایش چشمگیر مهاجرت‌های اجباری در ده سال اخیر نشانه‌ای است آشکار از افزایش خشونت و جنگ و درگیری‌های متعدد در بخش‌های مختلف جهان که همراه با سختگیرانه‌تر شدن قوانین مهاجرتی و افزایش کنترل‌گری‌های مرزی افراد را به تحرک مکانی در بسترهای

پرمخاطره و ناامن سوق داده است که بر خلاف پیمان‌های متعدد جهانی از جمله پیمان جهانی مهاجرت ایمن، منظم و قانونی (GCM¹) و پیمان جهانی پناهندگان (GCR²) است. طبق آمارهای سازمان ملل متحد امروزه زنان در حدود نیمی از مهاجران در دنیا را شامل می‌شوند. میزان مهاجرت زنان از ۴۶.۷ درصد در سال ۱۹۶۰ با رقمی در حدود ۱۲۵ میلیون نفر به ۴۸.۱ درصد در سال ۲۰۲۰ افزایش یافت (گزارش سازمان ملل متحد ۲۰۲۱). سهم زنان در مهاجرت در مناطقی همچون آمریکای شمالی، اروپا و اقیانوسیه از مردان پیشی گرفته است. به طور کلی الگوهای سنتی مهاجرت بیشتر مردگزين بوده و زنان به تبعیت از مردان مهاجرت میکردند که امروزه در حال تغییر است (گوزمن ۲۰۱۳؛ زلوتنیک ۲۰۰۳) و با افزایش عاملیت، زنان به تدریج از تابعان مهاجرت به عاملان مهاجرت مبدل شده‌اند.

افزایش عاملیت زنان در تحرک مکانی مجموعه عوامل متعددی را در بر می‌گیرد؛ ارتقای سطح تحصیلات، افزایش میزان استقلال زنان و نقش آنها در ساختار قدرت خانواده، افزایش قدرت چانه‌زنی زنان، افزایش نقش زنان در تامین معاش خانواده، افزایش مشارکت زنان در فرایند تصمیم‌گیری‌های مهاجرتی، کاهش شکاف دیجیتال و بهبود دسترسی زنان به فضای آنلاین و همچنین افزایش نیاز بازار کار خانگی و خدماتی در کشورهای شرق آسیا و حوزه خلیج فارس از جمله مهمترین عوامل این افزایش حضور در عرصه مهاجرت بوده است. اگرچه افزایش سهم زنان در مهاجرت‌های بین‌المللی عمدتاً در قالب الحاق به خانواده، مهاجرت به عنوان کارگر خانگی^۳ و یا گروه‌های درگیر آوارگی تصور می‌شود اما در دو دهه اخیر زنان در سایر دسته بندی‌های مهاجرتی به ویژه در حوزه مهاجرت‌های کاری و تحصیلی نیز حضور جدی داشته‌اند. نسبت مهاجرت به جمعیت ایران از ۰.۵ درصد در ۱۹۷۰ به ۳.۸ درصد در سال ۲۰۱۹ رسید و ترکیب جنسیتی مهاجران ایرانی نیز تغییر یافته به نوعی که سهم زنان مهاجر نسبت به مردان به طور قابل توجهی افزایش یافته است.

جنسیت اساساً از طریق تعاملات انسانی در زندگی اجتماعی و به عنوان بخش مهمی از بافت اجتماعی تولید و بازتولید می‌شود. مطالعات انجام شده در ایران مهاجرت‌های بین‌المللی را بدون توجه به ملاحظات جنسیتی مورد مذاقه قرار داده است و صرفاً جنسیت را در حد یک متغیر جمعیت شناختی در گردآوری داده اتخاذ نموده است درحالی‌که فرایند مهاجرت همواره امری جنسیتی بوده است؛ در سال‌های اخیر پژوهش‌هایی محدود همچون صادقی و ولدوند (۱۳۹۴) با تمرکز بر مهاجرت‌های داخلی و سیفی (۱۳۹۶) با تمرکز بر ابعاد حقوقی، مهاجرت را با نگاهی حساس به جنسیت مورد مذاقه قرار داده است.

اگرچه ادبیات مهاجرت در ایران سبقه‌ای مردانه دارد و دهه‌های پیشین همواره عاملان تحرک مکانی چه به صورت انفرادی چه در قالب خانواده عمدتاً مردان بوده‌اند اما در سال‌های اخیر با

1- The Global Compact for *Migration*

2- The Global Compact on *Refugees*

3- domestic workers

افزایش سطح تحصیلات زنان، گسترش اینترنت و سهولت دسترسی به اطلاعات در عرصه مجازی جریان مهاجرت متخصصان از تمرکز بر فاعلیت مردان خارج شده و امروزه زنان بخش مهمی از جمعیت مهاجران ایرانی را تشکیل می‌دهند که به واسطه عوامل مختلفی نظیر ارتقا آگاهی‌های ناشی از توسعه ارتباطات و اطلاعات، افزایش حضور در اجتماع و در نتیجه تغییر کارکردی نقش‌های سنتی زنانه و گذار به باورهای جدید، انگیزه تحصیل و اشتغال و نظایر آن به تحرک مکانی و مهاجرت برای دستیابی به موقعیت و فرصت‌های جدید دست زده‌اند. این پژوهش مبتنی بر روش اسنادی درصدد پاسخگویی به این سوال است که مهاجرت‌های بین-المللی از منظر ملاحظات جنسیتی به چه شکلی صورت بندی می‌گردد؟

مبانی مفهومی و نظری پژوهش

جنسیت شامل نقش‌های اجتماعی و رفتارهایی است که فرهنگ و جامعه برای هر دو جنس قائل می‌شود. این نقش‌ها دامنه انتظارات رفتاری از جنس‌های (مرد و زن) را مشخص می‌کند. در فرایند جامعه‌پذیری جنسیتی، افراد جهان اجتماعی و جایگاه خود را از طریق جنسیت درک می‌کنند. انسان‌ها از کودکی یاد می‌گیرند که جامعه انتظارات و استانداردهای متفاوتی از دختر بچه‌ها و پسر بچه‌ها دارد. این انتظارات متفاوت را اصطلاحاً کدهای جنسیتی^۱ می‌نامند که به معنای مجموعه‌ای منظم از علائم و نشانه‌ها است و ایدئولوژی جنسیتی جامعه از طریق همین کدهای جنسیتی درونی می‌شود.

در واقع جنس نشان دهنده مرد یا زن بودن است و جنسیت مردانگی^۲ و زنانگی^۳ را نشان می‌دهد. جنسیت مفهومی منفعل^۴ نیست و افراد به تدریج هنجارها و توقعات اجتماعی متناسب با جنس خود را درونی می‌سازند و هویت جنسیتی^۵ شکل می‌گیرد. جنسیت سازه‌ای اجتماعی^۶ است که در دوره‌های تاریخی و جغرافیای مختلف صورت بندی‌های متنوعی به خود می‌گیرد. از سوی دیگر جنسیت نقش بسیار مهمی در بازتولید اجتماعی^۷ ایفا می‌نماید. مناسبات جنسیتی به شکل اجتماعی و فرهنگی ساخته و خلق می‌شود و از سوی دیگر ساخت اجتماعی-فرهنگی نیز جنسیت را تولید می‌نماید. فهم جنسیت یکی از مهمترین روش‌های تحلیل مردم‌شناسانه نابرابری است و نابرابری در دسترسی یکی از مهمترین عوامل تحرک مکانی افراد در جوامع مختلف قلمداد می‌شود. ساندرابم (۱۹۸۱) تفاوت‌های رفتاری در تصمیمات زندگی را به نقش‌های پذیرفته شده دو جنس ارتباط می‌دهد. به عقیده بام، افراد

1- gender codes

2- masculinity

3- femininity

4- passive

5- gender identity

6- social construction

7- social reproduction

حامل طرحواره‌های جنسیتی هستند که مجموعه‌ای از تداعی‌های مرتبط با جنسیت هستند که به تدریج در میان ذهنیت آنان نقش بسته است و محتوای آن نتیجه اطلاعاتی است که فرد در خانواده، فرهنگ و جامعه در رابطه با جنسیت تجربه کرده است. کنشگری زنان در عرصه مهاجرت‌های بین‌المللی نوعی کنش عاملانه برخلاف طرحواره‌های جنسیتی مورد پذیرش جامعه تعریف می‌شود.

با وجود اینکه چندین دهه از ضرورت طرح مسایل زنان در امر توسعه می‌گذرد اما همچنان در مقایسه با مردان شاهد نابرابری بیشتری در جوامع انسانی می‌باشند. از منظر نظریه پردازان حوزه توسعه و جنسیت، مهاجرت تحصیلی و کاری زنان معرف توانمندی آنها است که در نتیجه توسعه امری اجتناب‌ناپذیر است چراکه شرط دستیابی زنان به منابع و فرصت‌های لازم برای مهاجرت بین‌المللی، حد متوسطی از توسعه اقتصادی و لزوم پیشرفت‌هایی در وضعیت آنهاست (کاریتاس ۲۰۱۰). پیش‌نیاز کنشگری در عرصه مهاجرت، توانمندسازی است و زنان همواره مهمترین محور نظریات تولید شده در بحث توانمندسازی بوده‌اند.

زنان اغلب به صورت کلیشه‌ای وابسته به مرد تعریف شده‌اند؛ در نتیجه اغلب کمتر از مردان دریافت می‌کنند و این امر به نابرابری‌های جنسیتی در نتایج شغلی، حقوق و دستمزد منجر می‌شود. در نگاهی فرایندی به مفهوم توانمندی باید به سطوح مختلف فردی (احساس ذهنی و توان عینی برای انجام امور) و سطح اجتماعی (توان مشارکت در فعالیت‌های گروهی و جمعی)، سطح سیاسی (کنترل بر تصمیمات سیاسی)، اقتصادی (توان کنترل تصمیم‌گیری‌های اقتصادی) و نهادی (به چالش کشیدن نهادها و ساختارهای نابرابر موجود) را در برمی‌گیرد. در موضوع ارتباط بین دو مفهوم توانمندسازی زنان و مهاجرت یک رابطه دوطرفه است. به این معنا که گاهی توانمندسازی زنان منجر به عاملیت زنان در عرصه تحرک مکانی می‌شود چرا که سطح دسترسی افراد را بالا می‌برد. از سوی دیگر مهاجرت هم می‌تواند عامل مهمی در افزایش توانمندی زنان شود. مطالعات گسترده‌ای نشان می‌دهد که تجربه مهاجرت برای گروه‌هایی از زنان منجر به شکوفایی فردی و افزایش حضور در جامعه، افزایش سطح تعامل با فرهنگ جدید و حضور بیشتر در فضایی غیر از خانه را به همراه داشته است (درویش پور ۲۰۰۲؛ ارلانا و همکاران ۲۰۰۱؛ داستمن ۲۰۰۳).

این پژوهش با مفروض دانستن عاملیت زنان در عرصه مهاجرت‌های بین‌المللی، زنان را کنشگری جدی در تحرک مکانی دانسته و بر توانمندی زنان در عرصه توسعه تاکید دارد. نابرابری جنسیتی و شکاف جنسیتی^۱ نشان دهنده یکسان نبودن دسترسی زنان و مردان به

۱- شاخص شکاف جنسیت: این شاخص وضعیت زندگی زنان را در ۴ حوزه بهداشت، آموزش، اقتصاد و سیاست مورد محاسبه قرار داده و کشورها را بر اساس مقادیر بین صفر تا یک، یعنی از تبعیض کامل تا برابری کامل رتبه‌بندی می‌کند. زیرشاخه‌های اقتصاد در سنجش شکاف جنسیتی را شاخص‌هایی همچون مشارکت اقتصادی زنان، نرخ اشتغال و بیکاری، تفاوت و شکاف دستمزد زنان و مردان در شغل‌های یکسان، میزان امکان پیشرفت شغلی، تعداد نیروهای کار در بخش‌های مختلف را تشکیل می‌دهند.

فرصت‌ها و امکانات جامعه است که ریشه در ساختار زندگی اجتماعی، اقتصادی و آموزشی دارد. دسترسی یک پدیده جنسیتی است (در بخش‌های بعدی به تفصیل ارتباط مفهوم دسترسی و مهاجرت مورد مذاقه قرار خواهد گرفت).

نوع، میزان و حدود انواع دسترسی با توجه به شرایط فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی جوامع بین زنان و مردان متفاوت است. این نکته همراستا با نظریه تقاطع‌گرایی^۱ (کرنشاو ۱۳۹۶؛ دیویس ۱۹۸۱) است چراکه براساس این نظریه فهم موضوعات اجتماعی در رابطه به تقاطع‌های سلطه برای مطالعه ساختارهای لایبرنتی فرودست ساز است امکان‌پذیر است. در واقع دسترسی در نگاه تقاطع‌گرایانه در نتیجه برهمکنشی نظام سلطه همچون نظام طبقاتی، جنسیتی و ملیتی و زبانی موضوعی پیچیده می‌شود که نابرابری را دائما بازتولید می‌کند. باید گفت افزایش سطح تحصیلات در میان زنان ایرانی، به گسترش سطح دسترسی آنان منجر شده است. افزایش نرخ باسوادی، افزایش مشارکت اقتصادی و افزایش قدرت چانه‌زنی زنان تحصیل کرده در ایران نه تنها به شناخت تفاوت در انتخاب‌های استراتژیک زنان در زندگی روزمره خود کمک خواهد کرد بلکه به فهم بهتر الگوهای رفتار مهاجرتی در دو دهه اخیر خواهد انجامید.

عاملیت زنان در مهاجرت بین‌المللی: جدال با کلیشه‌ها

حضور پررنگ زنان در عرصه تحرک مکانی داوطلبانه به ویژه با اهداف تحصیلی و کاری، نقد جدی به چندین کلیشه رایج چه در سطح جامعه و در سطح ادبیات حوزه مهاجرت وارد ساخته است. یکی از مهمترین کلیشه‌های رایج در ادبیات مهاجرت به ویژه در مهاجرت‌های اجباری "گفتمان قربانی‌پنداری"^۲ زنان است. اگرچه در مهاجرت‌های اجباری زنان و کودکان بیشترین سهم آوارگان داخلی را به خود اختصاص می‌دهند اما در مهاجرت‌های داوطلبانه، تصویر مظلوم و قربانی ساخته شده از زن به زیر سوال می‌رود. یکی از مهمترین اهداف مستور در تقویت این گفتمان در قبال زنان، مسئله‌مندسازی شدن^۳ موضوع مهاجرت زنان به طور کلی است؛ به این معنا که تحرک مکانی زنان مستقیماً موضوع را به مسئله و چالش تبدیل خواهد کرد. این کلیشه تأثیرات مخربی بر عاملیت زنان در انتخاب استراتژی برای زندگی خود مواجه خواهد کرد.

موضوعاتی چون امید به زندگی، میزان مرگ میر مادران و نوزادان، میزان دسترسی زنان به خدمات بهداشتی و درمانی همچون تخت‌های بیمارستانی شاخص‌های حوزه بهداشت و سلامت محسوب می‌شوند. میزان امکان دخالت در قدرت، میزان رشد حضور زنان در پست‌های مدیریتی سیاسی و تعداد نمایندگان زن در مجلس از جمله شاخص‌ها در حوزه مشارکت سیاسی به شمار می‌آیند. نرخ باسوادی نیز شاید مهم‌ترین شاخص در حوزه آموزش باشد.

1-intersectionality
2-victimhood discourse
3-problematization

مهاجرت انفرادی دختران با واژگانی همچون تجاوز و تعرض عمدتا به ذهن متبادر می‌شود که ارائه تصویری پرمخاطره از فرایند مهاجرت دختران منجر به افزایش هزینه این افراد در متقاعد کردن خانواده خود خواهد داشت. در این گفتمان، زنان به عنوان قربانی در حرکت‌های مهاجرتی بازنمایی می‌شوند و مردان عمدتا در قالب آزارگر. این تصویر یکی از مهمترین دستاویزهای دول جوامع سنتی در تدوین سیاست‌های تحدید کننده در تحرک مکانی زنان است که به عنوان نمونه در قانون اجازه خروج از کشور در ایران نمود یافته است.

ادبیات تولید شده در خصوص زنان در عرصه مهاجرت‌های بین‌المللی عمدتا تصویر کلیشه‌ای را بازتولید و زنان را به عنوان مهمترین گروه آسیب دیده در قاچاق انسان به تصویر می‌کشند که عمدتا به روسپی‌گری و آزارهای جنسی تداومی می‌شود. این تصویر کلیشه‌ای و کاریکاتوریزه شده عمدتا مهاجرت را با مفهوم خطر، آسیب، مخاطره و سختی همراستا می‌داند و می‌توان دریافت که در جوامع سنتی که کنشگری زنان در فضای بیرون خانه هنوز به خوبی جا نیفتاده است تمایل و اقدام زنان به مهاجرت‌های بین‌المللی چقدر پرهزینه‌تر از مردان خواهد بود و همانطور که آگوستین (۲۰۰۷) به درستی اشاره می‌کند بالا بردن هزینه مهاجرت برای زنان در راستای مدیریت و کنترل‌گری بیشتر زنان و ایجاد محدودیت بیشتر برای این نوع تحرک مکانی می‌باشد.

کلیشه دیگری که به کرات در مطالعات بین‌المللی مورد تاکید قرار گرفته است تصویری است که از زنان در جوامع غیر انگلوساکسون و عمدتا خاورمیانه‌ای بازنمایی می‌شود؛ زنانی فاقد قدرت^۱، مورد تجاوز و تعرض قرار گرفته و قربانی^۲. مردانی که خطر هستند و زنانی که در معرض خطر^۳ (ابولقود ۲۰۱۳). همچنین همانطور که بوید و نواک (۲۰۱۳) در خصوص ایماژ پناهجویان مکزیکی که به کانادا می‌آیند در رسانه‌های این کشور اشاره می‌کنند به صورت کلیشه‌ای قاچاق‌دارو و مواد مخدر بازنمایی شده است. این کلیشه‌سازی از موج‌های پناهجویی باعث می‌شود که نگاه سیاستگذاران کورجنس شود فلذا انگیزه‌های مهاجرتی مبتنی بر دلایل جنسیتی مستور می‌ماند. این اتفاق در خصوص مهاجران افغانستانی وارد شده به ایران هم به وضوح دیده می‌شود. مهاجرت‌های عمدتا با صبغه اقتصادی و امنیتی به تصویر کشیده شده‌اند و انگیزه‌های جنسیتی چه در قالب مهاجرت دختران و چه در انگیزه‌های خانواده‌های افغانستانی به دلیل وضعیت حاکم بر آن کشور در قبال نسوان تعمداً به دست فراموشی سپرده می‌شود. در نتیجه رسانه‌ها در دهه اخیر بیشتر بر روی مدیریت و محدودیت جریان پناهندگی متمرکز شده‌اند تا

1- powerless

2- exploited and sexually harassed

3- men are at risk, women are at risk

حمایت و خوشامد و بهره مندی. به هر روی کلیشه سازی در حوزه مهاجرت های بین المللی به افزایش هزینه مضاعف در فرایند تحرک مکانی برای زنان در جوامع در حال توسعه می شود.

کلیشه دیگری که در مطالعات حوزه مهاجرت وجود دارد بحث زنانه شدن مهاجرت^۱ است؛ اگرچه کاستلز و میلر از پدیده هایی نظیر جهانی شدن مهاجرت، تسریع مهاجرت و شتاب مهاجرتی، تفکیک و تمایزپذیری مهاجرت، سیاست های مهاجرتی و زنانه شدن مهاجرت به عنوان پنج ویژگی اصلی عصر مهاجرت نام برده اند (کستلز و میلر ۱۳۹۶). مهاجرت، همانند هر فرایند اجتماعی دیگر، یک فرایند جنسیتی است و امروزه افزایش کمی و کیفی حضور زنان در عرصه مهاجرت به تغییرات مهمی در در این حوزه انجامیده که گروهی از محققین از آن به زنانه شدن مهاجرت نام می برند (هیندمن و گیلز ۲۰۱۱؛ هونداگنو-سوتلو ۱۹۹۴)، به این معنا که زنان دیگر صرفاً مهاجران تبعی نیستند بلکه خود دارای نقشی فعال و مستقل در این عرصه بوده و مهاجرت را راهبردی جهت گریز از محدودیت ها و تلاش در جهت در متن قرار گرفتن می دانند. دسته ای دیگر از پژوهشگران از آن به واژه حرکت به سمت تعادل جنسیتی^۲ یاد می کنند (دناتو و همکاران ۲۰۱۱) که به نظر نگارنده مفهوم واقع بینانه تری از سهم زنان و مردان در مهاجرت های بین المللی ارائه می کند.

دوره بندی مطالعات مهاجرت از منظر جنسیت

عمده مطالعات تا قبل از دهه ۷۰ میلادی با این عنوان نوشته می شد: مردان مهاجر و زنان منتظر^۳ ولی با تغییرات گسترده ناشی از جهانی شدن در دهه های پایانی قرن بیستم زنان به تدریج در غالب حرکت کنندگان^۴ و نه برجاماندگان^۵ دیده شدند. هر چند در مطالعات رونشتاین در سال ۱۸۸۵ هم بحث تفاوت جنسیتی مطرح شد اما بیش از صد سال بعد به تدریج اهمیت این موضوع مورد توجه آکادمیا قرار گرفت. او معتقد بود زنان و مردان تحرک مکانی متفاوتی را انجام می دهند و زنان در تحرک مکانی های با فاصله کم فعالتر هستند و مردان در فواصل مکانی طولانی تر.

در دوره اول مطالعات مهاجرت، تحرک مکانی مفهومی فاقد جنسیت^۶ بود و تحقیقات عمدتاً بر محوری تک جنسی^۷ و مرد محور^۸ تجربیات مردان را بازنمایی می نمود (نر و میر ۲۰۰۰). در

1 feminization of migration

2 shift toward gender balance

3 men who migrate, women who wait

4 movers

5 stayers/ left behinds

6 genderless terms

7 heterosexual

8 malestream instead of mainstream

دهه ۱۹۶۰ تا ۷۰ میلادی عنوان مهاجران و خانواده در واقع چارچوبی برای فهم مسائل مهاجران مرد، زنان و فرزندان مورد استفاده قرار می‌گرفت. این مهاجران مرد هم عمدتاً در قالب نیروی کار مهاجر^۱ متصور بود. جایگاه زنان در خانه تصور می‌شد و به عنوان مهاجر تقریباً نادیده انگاشته می‌شدند و نقشی منفعلانه و نامرئی داشتند. مطالعات مهاجرتی تمرکزش بر مهاجران مرد بود و از همه مهمتری اینکه کلیه رفتارها، الگوها و روش‌های ادغام، رفتن حرکت و دسترس به منابع عمومیت‌سازی^۲ می‌شد و تفاوت‌های جنسیتی به هیچ وجه به رسمیت شناخته نمی‌شد.

در مرحله بعد زنان صرفاً افزوده شدند و گزارشات صبغه توصیفی صرف داشت و عملاً تجربیات زنانه روایت نشد بلکه فقط از نظر عددی نمونه‌های زن وارد متن شدند (آیسی ۲۰۰۵) و نتیجه آن شد که به تدریج تحقیقاتی تولید شد که با عنوان زنان و مهاجرت صورت بندی شد و لزوماً تفاوت‌های زنان و مردان در فرایند مهاجرت مورد توجه قرار نگرفت. حتی قواعد حقوق بین‌الملل در خصوص مهاجران و پناهندگان هم تا سال‌ها کور جنس بود. به عنوان مثال تحلیل محتوای کنوانسیون پناهندگان ۱۹۵۱ سازمان ملل متحد از منظر جنسیت نشان می‌دهد که تعریف ویژه پناهنده براساس ماده ۱ صرفاً سیاسی و در سطحی کلان با تاکید بر عرصه عمومی و عملکرد دولت‌ها در شکنجه و آزار را مورد توجه قرار داده است در حالیکه شکنجه‌ها و آزار و سوار رفتارهایی که در عرصه خصوصی و به ویژه در درون خانواده رخ می‌دهد را ملاک دریافت حق پناهندگی ندانسته است؛ مواردی مثل تجاوز، ازدواج‌های اجباری، ناقص‌سازی زنان، خشونت‌های خانگی و یا خودسوزی‌های ناشی از مباحث ناموسی یا مهریه تا چندین دهه به هیچ عنوان امکان استناد به ماده ۱ کنوانسیون ۱۹۵۱ را نداشت. ولی به تدریج رویه‌های حساس به جنسیت ظاهر شد. به عنوان مهمترین این تغییرات شامل: دستورالعمل‌آزارهای مبتنی بر جنسیت^۳ (گزارش کمیساریای پناهندگان سازمان ملل متحد ۱۹۹۵) و چارچوب عملیاتی پلتفرم پکن در حمایت از زنان پناهنده (گزارش کمیساریای پناهندگان سازمان ملل متحد ۱۹۹۷).

در دهه ۱۹۷۰ تا ۸۰ میلادی به تدریج به صورت عملیاتی^۴ مطالعات جنسیت در مطالعات مهاجرت وارد شد و بسط پیدا کرد هرچند که تغییری فاحش^۵ نبود (بوید ۲۰۰۶). این تغییر هم در راستای مطالعات مدرنیته بود که بتدریج در حال شکل‌گیری بود و در این راستا به اندیشه‌ورزان به دنبال این پرسش بودند که مهاجرت و تحرک مکانی چه تاثیری بر مدرن کردن زنان دارد؟ به تدریج گروه‌های فمینیستی پست مدرن شکل گرفت و ایده "افزودن زنان و

1 male labour migrant

2 generalized

3 Gender-Related Persecution within the context of Article 1A (2) of the 1951 Convention and/or its 1967 Protocol relating to the Status of Refugees

4 pragmatic

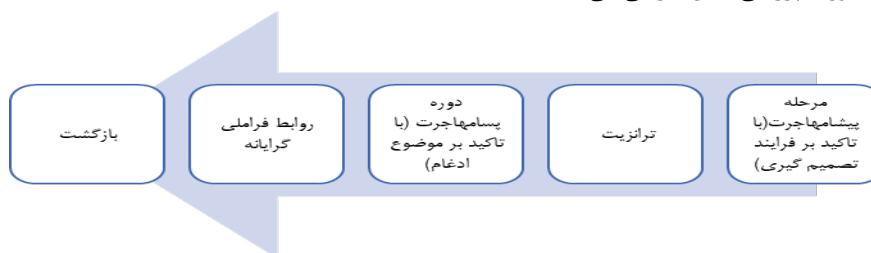
5 dramatic shift

بازبینی بحث^۱ شکل گرفت. در این برهه مهاجرت به عنوان نتیجه و ماحصل تصمیمات فردی دیده میشد و تاثیر ساختارهای کلان به نوعی مغفول بود. همچنین با توجه به سلطه نظریات اقتصادی و نئوکلاسیک در تبیین تحرک مکانی، در این دوره مهاجرت محصول تصمیم خانوار بود و نه فرد و اهمیت خانوار و خانواده به حدی بود که نقش فرد را به حاشیه می برد. در دهه ۱۹۸۰ و ۹۰ میلادی جنسیت به عنوان یک متغیر^۲ مهم در مطالعات مهاجرت وارد شد. جنسیت به عنوان مولفه ساختاری و بنیادین در مطالعات مهاجرت به رسمیت شناخته شد. روابط اجتماعی^۳ با متغیرهای دیگر مثل طبقه نژاد ملیت و قومیت همانند تلقی شد و وارد مطالعات و سنجش های مهاجرتی شد و بتدریج در دهه اخیر بحث زنانه شدن مهاجرت های بین المللی مطرح و مطالعه زنان و مردان و تاثیر متفاوت مهاجرت بر هر کدامشان به صورت جدی تری در مطالعات مهاجرت های بین المللی وارد شده است.

به تدریج مطالعات ارزشمندی در خصوص فهم تفاوت های رفتاری مردان و زنان در فرایند مهاجرت تولید شده است که مدل های مفهومی قابل اتکایی را تولید نموده اند (لنز و همکاران ۲۰۰۲؛ موروکوازیک و همکاران ۲۰۰۳). رویکردهای جدید که به رویکردهای ترمیمی^۴ معروف هستند به دنبال تحلیل جنسیتی مهاجرت هستند و نه فقط تمرکز صرف بر کنشگری زنان؛ رویکرد پژوهش پیش رو نیز بر همین اساس صورت بندی شده است.

تائیرات جنسیت بر فرایند مهاجرت

یکی از مهمترین ایرادات حوزه مطالعاتی مهاجرت نگاه مقطعی به آن است چراکه مهاجرت یک برش لحظه ای و مقطعی از تجربه زندگی افراد نیست و برای داشتن نگاهی جامع به حوزه مهاجرت می بایست نگاهی فرایندی به این موضوع داشت و جنسیت در تمام این مراحل به صورت پرننگی نقش آفرینی می نماید.



شکل ۲. نگاه فرایندی به مهاجرت های بین المللی

- 1 add women, mix and stir
- 2 gender as a variable approach
- 3 social relations
- 4 compensatory approaches

مهاجرت و جنسیت در یک رابطه رفت و برگشتی دوطرفه بر هم تاثیر می‌گذارند. از یکسو روابط جنسیتی بر فرایند تصمیم‌گیری، انتخاب مسیر و ترکیب^۱ مهاجرت تاثیر می‌گذارد و از سوی دیگر مهاجرت بر روابط جنسیتی^۲ موثر است. تاثیر بر روابط زوجین، روابط بین نسلی، بازتوزیع قدرت در نهاد خانواده، الگوهای رفتاری جدید در نهاد خانواده، تاثیر بر الگوهای ازدواج، افزایش نرخ طلاق و جدایی فیزیکی و عاطفی بین زوجین، روابط بین فرزندان و والدین و همچنین تاثیر مهاجرت بر جامعه‌پذیری متفاوت نسل دوم و سوم مهاجران در کشور مقصد از مهمترین بستری است که مهاجرت تاثیر مستقیم و غیرمستقیم بر آن دارد. این ارتباط دوسویه، در مهاجرت‌های بازگشتی هم نه تنها در فرایند تصمیم‌گیری برای بازگشت خودنمایی می‌کند بلکه در فرایند ادغام مجدد افراد به شیوه‌های متفاوتی نقش آفرینی می‌نماید.

اگرچه تدوین یک چارچوب مفهومی در پژوهش به انسجام محتوایی متن کمک زیادی خواهد نمود اما همانطور که اسمیت (۱۹۹۹) به درستی اشاره می‌کند هیچ چارچوب مفهومی وجود ندارد که به تنهایی بتواند در کل یک پژوهش انسجام بخشی کند ولی قطعاً وجود یک مدل مفهومی دقیق، به قدرت تحلیل محقق کمک خواهد کرد؛ در شکل شماره ۳ مدل مفهومی رابطه بین جنسیت و مهاجرت‌های بین‌المللی تدوین شده است.



شکل ۳. مدل مفهومی پژوهش

1 composition

2 gender relations

رابطه جنسیت و مهاجرت، پیچیده و بازتاب نابرابری های جامعه است و توسط عوامل متعددی در سطوح مختلف تبیین می شود. در این راستا تاثیر متغیر جنسیت در سه سطح خرد^۱، میانی^۲ و کلان^۳ مورد مذاقه قرار می گیرد. در سطح خرد، عوامل فردی مانند محرومیت نسبی و سرمایه انسانی مهاجرت مردان و زنان را تحت تاثیر قرار میدهد (سعیدی ۲۰۲۱). در سطح خرد انگیزه های^۴ تصمیم گیری در مورد مهاجرت کاملاً بر اساس نقش های جنسیتی و توزیع منابع قدرت بر اساس جنسیت و فرصت های در دسترس متفاوت خواهد بود (جولی و ریوس ۲۰۰۵؛ نوراللهی ۲۰۰۹). نقش زنان در خانواده، دسترسی به اطلاعات و فضای مجازی، میزان بهره مندی از آموزش و زبان خارجی، درگیری با نقش های مادری و همسری همگی بر فرایند فکر کردن به مهاجرت و تصمیم گیری در خصوص مهاجرت نقش مستقیم دارد (سعیدی ۱۳۹۷).

براساس مدل مفهومی ارائه شده جنسیت به عنوان شکلی از اجراگری^۵ در تمایل و اقدام به مهاجرت افراد نقش محوری دارد. در مدل مفهومی ارائه شده در این پژوهش جنسیت در تمامی فرایند مهاجرت بازنمایی می شود؛ هم در تجربیات پیشامهاجرتی، هم در مسیر و هم در مقصد، هم در ارتباط با مبدا و احتمالاً بازگشت. یکی از محوری ترین بستری که جنسیت منجر به تفاوت و تنوع رفتارهای مهاجرتی افراد می شود بحث دسترسی است که براساس مدل نظری یوتنگ (۲۰۱۲) مفهومی جنسیتی است و زنان و مردان سطح دسترسی متفاوتی به منابع موجود دارند.

عوامل زمینه ای همچون طبقه اجتماعی، جغرافیای سکونت، سطح سرمایه فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی در تقاطع با جنسیت سطوح مختلفی از دسترسی را به افراد می دهد که در نتیجه آن عاملیت افراد در تحرک مکانی تحت الشعاع قرار می گیرد. در موارد متعددی دسترسی در جامعه براساس سلسله مراتب مردانه تعریف شده است که سهم زنان با چالش جدی مواجه می شود. دسترسی به تحصیل، دسترسی به بازار کار و عرصه اشتغال از مهمترین بستری است که متغیر جنسیت نقش آفرینی جدی دارد.

تفاوت سطح دسترسی اگرچه در منابع اقتصادی بیشتر مورد بحث قرار گرفته است اما در سال های اخیر بحث شکاف دیجیتال هم که بر نابرابری دسترسی به فناوری های اطلاعاتی و ارتباطی متمرکز مطرح می باشد. این شکل از نابرابری در دسترسی ها باعث می شود که زنان و مردان مواجهه متفاوتی نسبت به مسئله مهاجرت داشته باشند.

از سوی دیگر تفاوت در جامعه پذیری جنسیتی هم عامل مهمی در بستر سازی دوران پیشامهاجرت افراد است. از همان ابتدای تولد رفتار نسبت به نوزاد پسر و دختر گاه متمایز

1 micro level
2 meso level
3 macro level
4 motives
5 performance

است. عرف و هنجارهای جامعه به صورت نانوخته همواره در بستر ملاحظات جنسیتی صورت بندی می‌شود. زنان همواره در دوگانه‌های خوب/بد، قابل پذیرش و مذموم، مناسب نامناسب و درست و غلط بار می‌آیند و همانطور که بلوم (۱۹۹۸) به درستی از آن به سوژگی قطعه قطعه شده^۱ یاد می‌کند. جامعه پذیری جنسیتی که در نهاد آموزش، خانواده و رسانه‌ها به صورت همه جانبه‌ای از قبل از تولد مدل‌های متصلبی از زنانگی و مردانگی را بازتولید می‌کنند همگی در راستای شکل دهی به کلیشه‌هایی قدرتمند در حوزه جنسیت عمل می‌کنند. رابطه جنسیتی ایدآل مردسالاری با توان جنسی بالا و زنانگی باکره با پتانسیل باروری^۲ بالا می‌باشد. از سوی دیگر عرف و هنجارهای جامعه نیز می‌تواند به صورت مستقیم و غیرمستقیم بر زنان و مردان فشارهای مختلفی را وارد کند.

براساس تحقیقات صورت گرفته (راهشخور و همکاران ۱۳۹۱؛ هنسن ۲۰۰۸؛ اسربرنی و غلامی ۲۰۱۹) مردان بیشتر از زنان و عمدتاً به دلایل شغلی مهاجرت میکنند. برای زنان، مهاجرت بیشتر متأثر از دلایل اجتماعی و فرهنگی نظیر کسب سرمایه انسانی و تفاوت سبک زندگی است. از لحاظ داشتن نقش فعال یا منفعل در فرایند مهاجرتی نتایج مطالعه نشان داد که مردان نقش فعالتری نسبت به زنان دارند که براساس ملاحظات جنسیتی کشور فرستنده قابل تحلیل است. در مورد ایران فشارهای هنجاری برساخت کننده نقش نان آوری و تامین دهی مردانه و نبود چشم اندازی روشن در بازار کار می‌تواند از مهمترین محرک های خروج از کشور باشد؛ تاثیر سیاست های جنسیتی همچون الزام به انجام نظام وظیفه (سربازی) نیز در این تمایل موثر است. از سوی دیگر همانطور که قبل تر اشاره شد براساس جامعه پذیری جنسیتی که طی سال های عمر افراد صورت بندی می‌شود پسران با ویژگی‌های جسورانه، جستجوگر، کنجکاو و عامل تربیت می‌شوند که در مقابل دختران در الگوی موجودی لطیف، مطیع، نیازمند حمایت و کنترل شده قرار دارد؛ این الگوی تربیتی که به واسطه رویکرد خانواده، نهاد آموزش و رسانه به صورت مداوم تولید و بازتولید می‌شود در میان ذهنیت افراد شکل گرفته است. اگر چه نسل جدید بسیاری از بنیان های این تفکر را به چالش کشیده است و با دسترسی گسترده به فضای مجازی و گسترش فناوری های نوین به توانمندسازی زنان و افزایش تمایل به مهاجرت منجر شده است (سعیدی ۲۰۲۱) اما نتایج تحقیقات نشان می‌دهد که همچنان مردان دانشجوی در قیاس با زنان دانشجوی رویکرد عاملانه‌تری نسبت به جهت‌گیری زندگی خود دارند (هاشمی ۲۰۰۶؛ حکیم زاده ۲۰۰۶). این تمایل به خروج از کشور در میان پسران دانشجوی مجرد بیشتر است.

تحقیقات متعددی نشان می‌دهند که تصمیم زنان به مهاجرت ناشی از فرار از موقعیت‌های نابرابر ناشی از ازدواج‌های ترتیبی^۳، روابط زناشویی خشونت آمیز یا فرار از تبعیض ساختاری در

1 fragmented subjectivity

2 potent patriarch and the fertile virgin

3 arranged marriage

جامعه کلیشه زده، فرار از تاهل و ترس از قضاوت جامعه از انگ اجتماعی ناشی موقعیت مطلقه بودن یا زیست انفرادی و همچنین گریز از شکاف جنسیتی و عدم وجود آزادی‌های اجتماعی و قیود اجتماعی و فرهنگی می باشد (شیرازی و مصیب ۲۰۰۶؛ آزادی و همکاران ۲۰۲۰). بحث نان‌آوری مردان، جنسی کردن مجرد زنان، اسکیمای در قبال زنان مطلقه، تابو بودن همباشی، انگ در قبال همجنس‌خواهی و مواردی از این دست همگی می تواند زیست روزمره افراد به ویژه افراد تحصیل کرده که بتدریج سرمایه فرهنگی برای خود شکل داده اند و سطح بالاتری از انتظارات اجتماعی را طلب می کنند مختل کند؛ در این صورت مهاجرت یکی از محتمل ترین گزینه های پیش روی افراد است.

در سطح کلان رویکرد جنسیتی دستگاه سیاستگذار در کشور مبدا و مقصد بر جریان مهاجرت تاثیر مستقیم دارد؛ قوانین دست و پاگیر در قبال زنان منجر به افزایش تمایلات مهاجرتی می گردد، از سوی دیگر محرک ها و مشوق های سیاستی در کشورهای مقصد که نویدبخش فضایی حمایتگرانه و دوستدار خانواده در قبال زنان و فرزندان می تواند انگیزه بزرگی در تقویت تمناهای کوچ افراد باشد. در برخی از کشورهای مهاجر پذیر سیاست های مهاجرتی بر رویکرد حساس به جنسیت استوار است و جذب زنان در اولویت قرار دارد یا براساس نیاز بازار کار به عنوان نیروی خدمتاتی (به ویژه در کشورهای آسیای جنوب شرقی و کشور های حاشیه خلیج فارس)، یا براساس رویکرد مبتنی بر تبعیض مثبت در بازار کار (صنایع فناورانه در ایالت های غربی آمریکا به ویژه کالیفرنیا) و یا بر اساس تمایلات حقوق بشری کشورهای انگلوساکسون مبتنی بر حمایت از زنان متعلق به اقلیت های مذهبی.

در سطح کلان علاوه بر اهمیت نقش نظام‌های اقتصادی و بازار کار، همچنین نمی‌توان تاثیر رویکرد دولت‌ها بر جنسیت و قواعد سیاستگذارانه متفاوت جوامع در شکل‌دهی به حرکت‌های مهاجرتی را نادیده گرفت. دولت‌هایی که نگاه کورجنسیتی^۱ دارند و زنان در حاشیه اجتماع قرار دارند و وضعیت نامناسبی در نردبان اجتماعی^۲ دارند در واقع هم در فرایند تصمیم‌گیری برای مهاجرت و هم در فرایند ادغام تاثیر می‌گذارند.

تفاوت و تنوع در سبک زندگی که در بحث فشارهای اجتماعی ناشی از جنسیت یکی از مهمترین عوامل محرک برون‌کوچی است که اگرچه در تحقیقات تولید شده در آکادمیای داخل کشور به صورت بسیار معدود مورد توجه قرار گرفته است در تحقیقات تولید شده خارج از کشور نقش جدی دارد. در زمانه چهل تکه سازی فرهنگی، بسیاری از عناصری که جوانان برای هویت خویش بر می‌گزینند بیرون از عناصر سنتی ایرانی قرار دارد و بسترهایی را طلب می‌کند که ممکن است در جغرافیایی دیگر امکان دستیابی باشد. قرائت متفاوتی از زیستن و استفاده همزمان از سرمایه اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و جنسی؛ اگرچه ارتباط این بحث با

1 gender blind

2 social ladder

نظریه سرمایه جنسی کاترین حکیم (۲۰۱۰) و نهضت ارائه بدن و تمایل به دیده شدن زیبایی‌های زنانه در جغرافیای دیگر تاحدی مرتبط است اما نیازمند داده کاوی بیشتری است. در سطح میانی می‌توان به تاثیر رابطه دو سویه مهاجرت و نهاد خانواده اشاره کرد. بحث نقش‌های جنسیتی، پویایی‌های نهاد خانواده و فشارهای هنجاری بر تقویت نقش‌های سنتی زنان در خانواده، دغدغه‌های نقشی همچون نگرانی برای آینده فرزندان، بحث والدین مسن، شیوه‌های فرزندپروری همگی در شیوه اندیشیدن افراد در خصوص مهاجرت تاثیرگذار است. انتخاب‌های استراتژیک زندگی افراد (ازدواج، بارداری، طلاق) نیز در تمایل/اقدام به مهاجرت نقش آفرینی جدی دارد؛ حتی جنس فرزند هم در الگوهای رفتاری مهاجرتی می‌تواند تاثیر مستقیم بگذارد.

داستمن (۲۰۰۳) نقش تاثیرگذار فرزندان بر برنامه بازگشت والدین به کشور مبدا را مورد توجه قرار می‌دهد و با پیمایش در میان مهاجرانی از اسپانیا، ترکیه، یوگسلاوی، یونان و ایتالیا در کشور آلمان نشان می‌دهد که نه تنها انگیزه دستیابی به رفاه بر رفتار مهاجرتی افراد تاثیر می‌گذارد بلکه دغدغه آینده فرزندان نیز یکی از مهمترین عوامل تاثیرگذار بر تمایلات مهاجرتی (رفت و برگشت) افراد است؛ براساس مدل ارائه شده در پژوهش داستمن تمایلات بازگشتی والدین مهاجر دارای فرزند دختر بالاتر از افرادی است که فرزند پسر دارند. همچنین داستمن (۲۰۰۳) نشان می‌دهد که تمایل به بازگشت والدین مهاجر زمانی که احساس کنند فرزندانشان در کشور میزبان امکان بالندگی بیشتر خواهند داشت کاهش معناداری می‌یابد.

از سوی دیگر این رابطه، جنسیت همچنان نقش آفرینی می‌کند؛ در سطح میانی زنان و مردان شبکه‌های مهاجرتی^۱ متفاوتی دارند که بر نوع، مقصد و الگوی مهاجرتی زنان و مردان موثر بوده و منجر به تفاوت رفتارهای مهاجرتی می‌شود. زنان امکان مانور کمتری در انتخاب مقصد، نوع مسیر و الگوی حرکت دارند در حالیکه مردان به ویژه افراد مجرد کمتر به این چالش‌ها توجه دارند. با مهاجرت نقش‌های خانوادگی بازتعریف می‌شود و گاهی رجلیت^۲ مردان زیر سوال می‌رود. هانسن (۲۰۰۸) نشان می‌دهند که با تجربه مهاجرت به ویژه در کشورهای انگلوساکسون زنان فرایند قدرت‌یابی را سریعتر تجربه می‌کنند که منجر به چالش کشیدن جایگاه سنتی مردان و حتی توان جنسی^۳ مردان می‌شود. این عامل در تفاوت روند ادغام در کشور مقصد، تفاوت در رفتارهای فراملی‌گرایانه و همچنین تمایل/اقدام به مهاجرت بازگشتی تاثیر مستقیم دارد. همچنین فراهانی (۲۰۱۰) نشان می‌دهد که تجربه مهاجرت حتی بر سکسوالیته تاثیر مستقیم دارد.

بعد از مهاجرت هم جنسیت در بازار کار نقش بازی می‌کند چه در کشورهای ترانزیت و مقصد بسیاری از مهاجران و به ویژه زنان با سرمایه اجتماعی در موقعیتی فرودست زیست می‌کنند.

1 migrant network

2 virility

3 potency

این موقعیت منجر به اشتغال افراد به ویژه زنان در مشاغل خدماتی، جنسی، زیرزمینی و سایه ای می شود که عمدتاً به عنوان مشاغل ویژه (3Ds Jobs)^۱ شناخته می شود و یا شغل های زنانه^۲ که عمدتاً در صنعت سکس، کارهای خدماتی و پرستاری مربوط می باشد. این تیپ از مشاغل برای زنان مهاجر عمدتاً با احتمال خشونت، بدرفتاری، دستمزد پایین و شرایط سخت کاری همراه است که درصد بالاتر انزوا، افسردگی و بالاتر بودن ریسک خشونت جنسی را در پی خواهد داشت.

در خصوص مهاجرت بازگشتی نیز ادبیات موجود مهاجرت نشان داده شده است که مردان و زنان از نظر برنامه اقامت در کشور میزبان و برنامه های مهاجرت بازگشتی، استراتژی های مختلفی را دنبال می کنند (بوئنو ۱۹۹۶؛ ساکا و همکاران ۱۹۹۹). مردان بیش از زنان برنامه-ریزی بازگشت به کشورهای خود را دارند در حالیکه زنان بیشتر چشم انداز اقامت دائمی در کشور میزبان را دارند (ولاز ۲۰۱۳). از طرف دیگر، زنان با تمایل به استقرار طولانی مدت یا دائمی در کشور میزبان، تمایل به پس انداز کمتری دارند اما بخش بیشتری از درآمد خود را در کشور میزبان خرج می کنند (کافمن ۲۰۰۴). زنان معمولاً درآمد خود را برای تامین معاش خانواده خرج کرده و در مواردی سرمایه گذاری های بلند مدت در خرید املاک یا اثاثیه منزل نموده که آنها را در کشور میزبان حفظ کند (پسار و مالر ۲۰۰۳؛ پایپر ۲۰۰۹). تجزیه و تحلیل دو متغیری که در مورد تفاوت انگیزه ها و تجارب مردان و زنان در مهاجرت بازگشتی بیان می شود، گرچه مهم ولی اولین قدم در درک الگوهای جنسیتی در مهاجرت بازگشتی است. مزایای استفاده از تجزیه و تحلیل جنسیتی در مطالعات مهاجرت بازگشتی وجوه دیگری نیز دارد. به عنوان نمونه در ادامه به برخی از آنها اشاره شده است.

روشن کردن عوامل غیر اقتصادی در مهاجرت: مهاجرت همیشه انگیزه اقتصادی ندارد، دلایل دیگری مانند پیوستن به خانواده، تغییرات عمده زندگی مانند ازدواج یا طلاق، بازنشستگی، یا دلایل بهداشت روانی یا جسمی می تواند از عوامل تقویت کننده آن باشد. تجزیه و تحلیل اقتصادی برای پاسخگویی به تمام پیچیدگی های مهاجرت کافی نیست. گنجاندن دیدگاه های جنسیتی در مطالعات مربوط به مهاجرت، محققان را قادر می سازد تا انگیزه ها و تجربیات مهاجرت را فراتر از عوامل اقتصادی مسلط بررسی کرده و زمینه های جدیدی را برای تحقیقات آینده کشف کنند (هالفاکری ۲۰۰۴).

برجسته کردن ارتباط بین تجزیه و تحلیل سطح کلان و سطح خرد: از سوی دیگر جنسیت در بخش دوم چرخه مهاجرت (تشکل از سه بخش برون کوچی، دیاسپورا و بازگشت) (سعیدی ۱۳۹۸) به صورت متنوعی بازتابی می شود؛ تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم بر نهاد خانواده یکی از مهمترین آنهاست. تأثیر تجربه مهاجرت در جغرافیایی جدید بر روابط بین

1 Dirty Dangerous, Demanding, Demeaning, Degrading
2 female occupations

زوجین، روابط بین والدین و فرزندان، روابط مهاجران با خانواده برجا مانده در کشور مبدا تأثیرات جدی دارد. همچنین این مسئله اشکال جدیدی از خانواده را به وجود می‌آورد که از آن به خانواده دورزی یا خانواده فراملی یاد می‌شود. مهاجرت برون کوچی و بازگشتی زنان و مردان از طریق مذاکره با همسر، والدین، گروه‌های بزرگتر خویشاوندی و ملاحظاتی مانند فرزندان و سلامت والدین مسن انجام می‌شود. همانطور که "خانوار میان ساختار اقتصادی کلان و افراد واسطه است" (کوران و ساگی ۲۰۱۳، ص ۵۸)، تجزیه و تحلیل جنسیتی درک درستی از گزینه‌های مهاجرت فردی با محدودیت ساختاری را فراهم می‌کند (پدرازا ۱۹۹۱). به عنوان مثال در مورد غنا، وونگ (۲۰۱۴) همزمان عوامل ساختاری را که مهاجران ماهر را برای بازگشت به کشورهای خود توانمند می‌کند و مذاکراتی را که در سطح خانوار یا در میان گروه‌های خویشاوندی انجام می‌شود تجزیه و تحلیل می‌نماید. وی از طریق این تلاش عوامل جنسیتی را در روند تصمیم‌گیری برای بازگشت مهاجرت در سطح میانی نشان می‌دهد. نگاه جنسیتی به مطالعات مهاجرت منجر به تغییرات گسترده‌ای در دسته‌بندی‌های مهاجرتی شد و حوزه‌های جدیدی همچون مهاجرت الحاق به خانواده^۱، مهاجرت ازدواجی^۲ و همچنین ازدواج‌های صوری^۳ برای دریافت اقامت و تابعیت، مهاجرت تجاری در زمینه ازدواج^۴، پناهندگی، قاچاق انسان به عنوان شکلی از مهاجرت کاری^۵ و الگوی مهاجرتی مادران تنها^۶ (سعیدی ۱۳۹۶) به عرصه مطالعات مهاجرت‌های بین‌المللی وارد شد.

روشن کردن مردانگی‌ها و تجارب جنسیتی مردان: اگرچه زمینه تحقیقات جنسیتی از پرداختن به موضوعات پیرامون زنان تا نمایان بودن مردانگی و مسئله‌سازی موقعیت مردان (کیمل و همکاران ۲۰۰۴)، زمینه مهاجرت‌های جنسیتی هنوز تجزیه و تحلیل چند وجهی از مردان و مردانگی را در بر نگرفته است. در مطالعات مربوط به مهاجرت مردان، دو الگوی همپوشان پدیدار می‌شود: اول، جنسیت مردان یا امری بدیهی تلقی می‌شود یا در ادبیات نامرئی است، زیرا اکثر مطالعات بررسی مهاجرت جنسیتی به تجارب زنان گره خورده است و

1 family reunification migration

2 marriage migration

3 fraud marriage

4 commercial migration in a marriage context

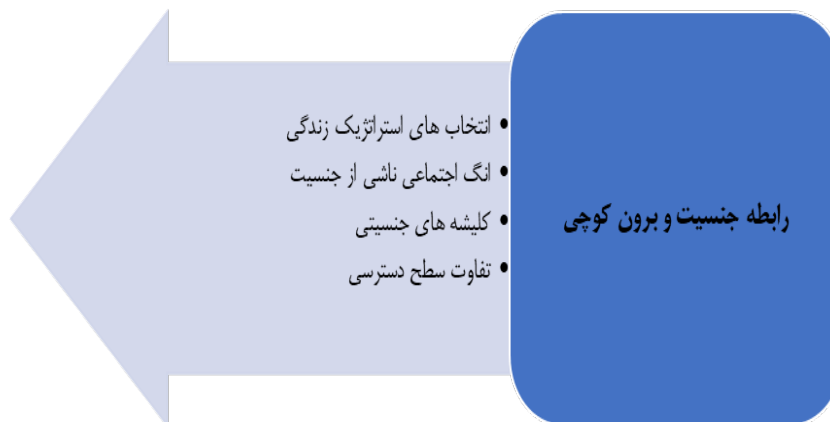
5 human trafficking and certain forms of labor migration

۱- در این دسته بندی، مادران در مواجهه با آگاهی‌های جدید در نتیجه ارتباط با اینترنت و آشنا شدن با دنیای جدید، از ابزارهای جدید فضای مجازی استفاده کرده و در صدد مهاجرت غیرمستعارف می‌گردند. همچنین در موارد متعددی با توجه به بالاتر بودن سرعت و مهارت فرزندان در کسب داده از فضای مجازی و اینترنت، مادران از فرزندان خود در جهت به دست آوردن اطلاعات استفاده می‌نمودند. این افراد خود به عنوان پناهجو از طریق بهره‌گیری از شبکه‌های مجازی راهی مسیر مهاجرت شده و با این امید که بعد از دریافت حق پناهندگی در کشورهای مقصد فرزندان خود را به کشور جدید بیاورند. یکی از مهمترین نتایج محتمل در این گروه، افزایش نرخ طلاق در میان زوجین بوده چرا که این مسئله یک چالش بنیادین برای یافت سنتی حاکم بر خانواده است. این الگوی کنش اگرچه در مراحل ابتدایی و کم دامنه می‌باشد اما باید به عنوان یک مسئله جدید اجتماعی مورد توجه قرار گیرد تا به آسیب تبدیل نگردد.

الگوهای مهاجرت بازگشتی مردان مورد بررسی قرار نگرفته است. دوم، مردان به عنوان نان‌آوران اصلی در کشورهای فرستنده و پذیرنده مهاجران تصور می‌شوند (گرین ۲۰۱۲). مطالعات جدید حوزه مهاجرت‌های بین‌المللی، در بحث عوامل موثر بر تمایل/اقدام مردان به مهاجرت بازگشتی وعده بازیابی مردانگی از دست رفته، مهاجرت بازگشتی وطن دوستانه و مهاجرت به عنوان آیین‌گذار را بر می‌شمرد (مونسوتی ۲۰۰۷)؛ به عنوان مثال هنسن (۲۰۰۸) و ون هوت (۲۰۱۶) در خصوص احساس مردان سومالیایی و افغانستانی در جامعه میزبان در ارتباط با از دست دادن موقعیت خود به عنوان نان‌آور اصلی احساس انزوا و افسردگی می‌کند تحقیق کرده‌اند. مردان سومالیایی با احساس سرخوردگی مردانه و ناتوانی در پذیرفتن نقش تغییر یافته خود در ساختار خانواده در کشور میزبان، به جامعه وطن خود مهاجرت می‌کنند. بنابراین مهاجرت بازگشتی یک عمل کاملاً مردانه می‌شود زیرا نوید بازیابی مردانگی از دست رفته را می‌دهد.

تاثیر مهاجرت بر پویایی نهاد خانواده مهاجران نیز در بسیاری از تحقیقات مورد مذاقه قرار گرفته است (اسپنسر و چارلسی ۲۰۱۶؛ سعیدی ۲۰۱۸) با مطالعه خانواده مهاجران پاکستانی در انگلستان و افغانستانی در آلمان نشان می‌دهند که مهاجرت به جامعه ای با بافت فرهنگی، مذهبی متفاوت منجر به تنزل موقعیت اقتدارگرایانه مردان در درون خانواده شده که این امر به کاهش هژمونی پدرسالارانه ای که به شکلی موروثی و سنتی در زندگی افراد جریان داشته است می‌شود. وابستگی‌های مالی، معیشتی و همچنین تقلیل مهارت‌های زبانی و تعاملی در جامعه جدید به این امر دامن می‌زند.

مطالعه روابط جنسیتی به جای مطالعه زنان و مردان به صورت جداگانه: مطالعات مهاجرت در چند دهه گذشته بسیار پیشرفت کرده است بررسی این مطالعات نشان می‌دهد در دوره اول بیشتر وضعیت مهاجرت مرد مستقل با انگیزه اقتصادی امری بدیهی تلقی شد. سپس نقش‌های حیاتی زنان کشف و بسیار مورد بحث قرار گرفت. و در حال حاضر بیشتر درک دیالکتیکی از روابط جنسیتی وجود دارد. بنابراین، دیگر بحث در مورد دوگانگی بین زن و مرد به عنوان دنیای جداگانه یا جدا از هم نیست، بلکه بیشتر تمرکز بر روابط و پویایی‌های قدرت بین این حوزه‌ها است برای درک پویایی قدرت جنسیتی، محققان باید مردان را نیز صریحاً به عنوان افراد جنسیتی مورد مطالعه قرار دهند. بنابراین این رویکرد روابط جنسیتی و چگونگی تاثیر آنها بر جابجایی‌های مهاجرتی مردان و زنان را در یک روند رابطه ای و پویا باز می‌کند. ارتباط با تاثیر متغیر جنسیت در هر سه فاز چرخه تحرک مکانی در سه شکل شماره ۴، ۵ و ۶ تشریح شده است. در مرحله اول چرخه مهاجرت، تاثیر متغیر جنسیت بر تمایل/اقدام به برون‌کوچی افراد در شکل شماره ۴ آورده شده است.



شکل ۴. رابطه جنسیت و برون کوچی

تاثیر مجموعه عوامل زیر می‌تواند تقویت‌کننده تمایل/اقدام به مهاجرت‌های فرامرزی از منظر جنسیت باشد:

انتخاب‌های استراتژیک زندگی: تصمیم به ازدواج، تمایل به بارداری، آینده فرزندان، تمایل به طلاق همگی می‌تواند انگیزه‌ای برای ترک جغرافیایی باشد که مجال انتخاب‌های مبتنی بر تمایلات فردی را سلب می‌نماید. ازدواج‌های ترتیبی، اجباری که در بخش‌های زیادی از کشور همچنان ادامه دارد عامل مهمی در تمایل به ترک جغرافیا می‌باشد به ویژه وقتی دختران و پسران تجربه تحصیل دانشگاهی را دارند و به منابع دسترسی بیشتری پیدا می‌کنند در ظرف محدود قبلی سخت‌تر می‌توانند زیست نمایند. از سوی دیگر ازدواج‌های استراتژیک و یا ازدواج صوری^۱ که معمولاً با هدف دریافت اقامت یا تابعیت کشورهای مقصد صورت می‌گیرد هم از جمله عوامل موثر بر تمایل/اقدام به خروج تحصیل‌کردگان می‌باشد. ارتباط مهاجرت با مرحله گذار به بزرگسالی و کشف دنیاهاى جدید هم در تمایل/اقدام به مهاجرت تحصیل‌کردگان موثر است.

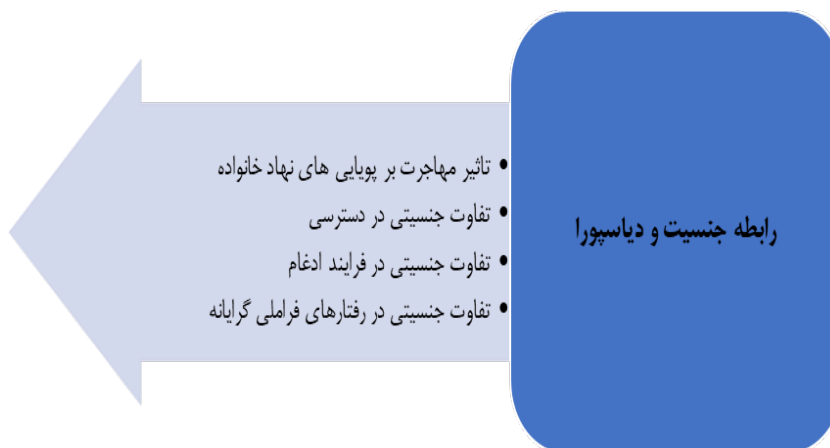
انگ‌های اجتماعی ناشی از جنسیت: انگ‌هایی که به واسطه زیست مجردی، همباشی و یا طلاق نه تنها در مناطق روستایی بلکه همچنان در بسیاری از نقاط شهری در عرف جامعه امری مذموم تلقی می‌شود، فرار از نگاه سنگین جامعه به انتخاب‌های فردی افراد می‌تواند در تمایل/اقدام به مهاجرت تحصیل‌کردگان موثر باشد. از سوی دیگر افرادی که سویه‌های جنسیتی متفاوتی با مردانگی/زنانگی مورد پذیرش جامعه را به صورت فیزیولوژیک یا روانی تجربه می‌کنند و در قالب دگرباش تعریف می‌شوند به دلیل انگ اجتماعی وسیعی که به صورت روزمره با آن مواجه می‌شوند تمایل/اقدام به مهاجرت بالاتری را تجربه می‌کنند.

1 fraud marriage

کلیشه های جنسیتی: رواج گسترده کلیشه های جنسیتی در خصوص نقش ها همواره به عنوان وزنه سنگینی در زندگی مردان و زنان بوده است. تصویر سازی زنان به عنوان مسئولان بهشتی به نام خانه^۱ و مردان به عنوان نان آور فشار مضاعفی را به هر دو جنس وارد می سازد و گاهی مهاجرت پاسخی برای رهایی از سیطره این کلیشه ها می باشد.

فشارهای اجتماعی: اگرچه در نگاه اول این امر یک مسئله کلی به نظر می رسد اما وقتی با لنز جنسیت به آن نگاه می شود فشارهای مضاعفی بر زنان صورت بندی می شود؛ در بسترهای پدرسالارانه زنان جزو اموال مردان حساب می شوند که در کوچکترین ظواهر نیازمند اذن فرد مذکر هستند. در مناطق غیر کلانشهری حرکت های ساده ای چون بیرون ماندن از خانه در ساعات تاریکی و یا تعامل با جنس مخالف، مسافرت انفرادی، ازدواج های مبتنی بر عشق^۲ و آزادی در انتخاب سبک پوشش و آزادی ابراز عقیده همگی مظاهر این فشار تلقی می گردند.

پیشتر در خصوص تفاوت سطح دسترسی مطالبی مطرح گردید. شکاف جنسیتی در خصوص دسترسی به آموزش همگانی در دو دهه اخیر به طرز چشمگیری کاهش یافته است اما همچنان شکاف جنسیتی در دسترسی به صورتی پایدار در موضوع تحصیلات تکمیلی و به ویژه در بحث سهم زنان از عضویت هیئت علمی در نهاد آموزش عالی چشمگیر است. در بازار کار هم به همین منوال مشاهده می شود. فلذا در بحث دسترسی، تمایل/اقدام به مهاجرت در میان تحصیل کردگان مسئله ای کاملاً جنسیتی است.



شکل ۵. رابطه جنسیت و دیاسپورا

1 home as a haven
2 love marriage

همچنین در بخش دیاسپورا وقتی از منظر جنسیت به مهاجرت نگاه می‌شود مجموعه‌ای از مفاهیم مورد پرسش قرار می‌گیرد:

- تاثیر مهاجرت بر انسجام خانواده^۱
- تاثیر مهاجرت بر ارتباط خانواده مهاجر با اعضای خانواده برجا مانده در کشور مبدا همچون بحث وجوه ارسالی^۲
- تاثیر مهاجرت بر موقعیت اعضای خانواده بر جا مانده^۳
- تفاوت سرعت زنان و مردان در فرایند ارتباط با فرهنگ جامعه میزبان^۴ و حفظ فرهنگ بومی^۵ و ادغام^۶
- تفاوت سرعت والدین و فرزندان در مهارت زبانی^۷ و ادغام در جامعه میزبان
- نقش زنان به عنوان حاملان فرهنگی در حفظ هویت بومی و انتقال نمادهای فرهنگی به نسل بعد و محافظان سنت^۸
- تاثیر تجربه مهاجرت بر ارتباطات بین نسلی
- تاثیر مهاجرت بر نقش‌های جنسیتی درون خانوار: توانمندی زنان، تنزل موقعیت اجتماعی^۹ مردان. نقش‌های جنسیتی با تجربه مهاجرت دستخوش تغییر می‌گردد که به عنوان نمونه منجر به تغییر موقعیت نان‌آوری^{۱۰} می‌شود. در مهاجرت بعضا پدیده نقش‌های خانوادگی معکوس^{۱۱} رخ می‌دهد که مادر به صورت فول‌تایم خارج از خانه کار می‌کند و پدر مسئول نگهداری از فرزندان است.

1 family cohesion

2 remittance

۳- فقر عاطفی، مشکلات معیشتی، مشکلات جنسی، محدود شدن آزادی عمل در تصمیم‌گیری‌ها، افزایش توانمندی زنان و قدرت یابی زنان در تامین معاش خانواده، افزایش احساس اعتماد به نفس، افزایش احساس اضطراب در خانواده، تهدید سلامت روان فرزندان، بی‌ثباتی زندگی مشترک، فشار مضاعف ایفای نقش مادری و پدری به صورت همزمان و کاهش توانایی نظارت بر کودکان تأثیرات بسیاری بر هویت اعضای خانواده می‌گذارد.

4 acculturation

5 enculturation

6 integration

7 language attainment

8 guardians of traditions

9 downward mobility

10 breadwinner status

11 reversed-role families

- تجربه های جنسیتی متفاوت زنان و مردان در دسترسی به بازار کار در کشور میزبان: مباحثی همچون مشاغل زنانه، تاثیر تبعیض مثبت بر محرومیت مردان در برخی ابعاد بازار کار^۱
- تفاوت جنسیتی در رفتارهای فراملی گرایانه بین زنان و مردان
- تاثیر تجربه مهاجرت بر فرهنگ خانواده: به عنوان مثال تقویت فردگرایی به جای جمع گرایی^۲
- تاثیر مهاجرت بر انتخاب های استراتژیک زندگی آبعد از مهاجرت: انواع ازدواج^۳، تاثیر بر تمایل/اقدام به بارداری، تاثیر بر شیوه فرزندپروری، طلاق
- تاثیر مهاجرت بر تشریفات و مناسک همسرگزینی

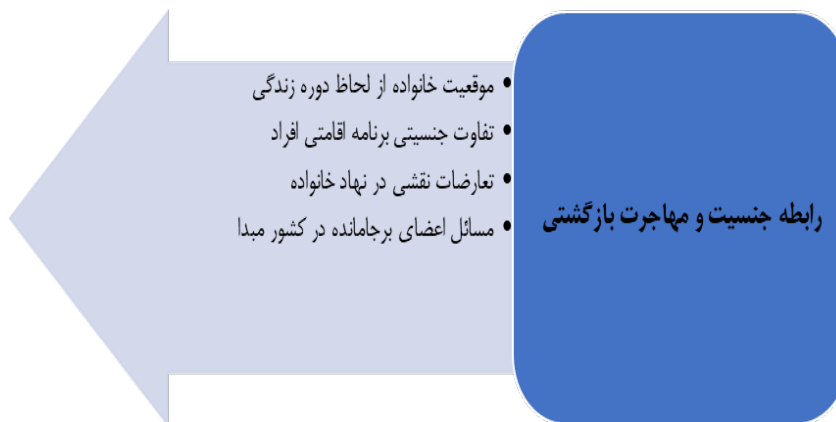
در خصوص برنامه اقامتی مهاجران نیز جنسیت متغیر معناداری است و زنان و مردان برنامه های متفاوتی را دنبال می کنند (اسربرنی و غلامی ۲۰۱۹). در مهاجرت های بازگشتی هم جنسیت نقش محوری بازی می کند که در ارتباطی وثیق با دو بخش قبلی (برون کوچی و دیاسپورا) صورت بندی می شود که جزییان این رابطه در شکل شماره ۶ آورده شده است.

۱ امرک و همکاران (۲۰۰۳) در پژوهش خود نشان می دهند که نرخ اشتغال زنان بالاتر از مردان است و به واسطه فرهنگ حاکم بر جامعه و همچنین سیاستگذاری حساس به جنسیت در این کشورها، مردان با نوعی از تبعیض جنسیتی (Gender Segregation) مواجه هستند.

۲ کروز و همکاران (۲۰۱۴) در تحقیق خود در خصوص تاثیر مهاجرت بر سرعت فرهنگ پذیری بین زوجی مکزیکی در آمریکا هستند می گویند به تدریج فرهنگ غالب در میان خانواده مهاجران از خانواده محوری (Familismo) به فردمحوری (Personalismo) و افزایش تمایلات فردگرایانه، کاهش نقش حمایتگرانه و گسترده خانواده و تقویت ملاحظات شخصی در فرایند تصمیم گیری و افزایش رقابت برای منافع شخصی متمایل می گردد.

۳ انتخاب های استراتژیک زندگی که برای زنان می تواند انتخاب شریک زندگی، محل زندگی، و انتخاب داشتن یا نداشتن بچه باشد.

۴ شکل گیری ازدواج های بین فرهنگی (Intercultural marriage)، ازدواج فراملی (Transnational marriage)



شکل ۶. رابطه جنسیت و مهاجرت بازگشتی

در خصوص ارتباط جنسیت و مهاجرت بازگشتی تمرکز بر نقش موقعیت خانواده از لحاظ دوره زندگی^۱ است (نیوالاین ۲۰۰۴) که در قالب تاثیر میزان تحصیلات و اشتغال همسر، سن مدرسه بچه ها، جافتادن والدین در کار و تاثیرش بر کاهش تمایل به مهاجرت مجدد، بارداری، تمایل به بارداری، تمایل/اقدام به ازدواج/مجرد متاهل بودن و میزان تمایل به مهاجرت و جسارت انتخاب بر تمایل/اقدام به بازگشت صورتبندی می شود.

نتیجه گیری

همانطور که بارها در پژوهش پیش رو اشاره شد، مهاجرت فرایندی جنسیتی است زیرا دلایل، مسیرها، الگوها و پیامدهای مهاجرت برای مردان و زنان متفاوت است. از اینرو، نه تنها بایستی فرایند مهاجرت را از لنز جنسیتی مورد مطالعه قرار داد بلکه نظام داده ای و سیاست های مهاجرتی نیز بایستی مبتنی بر ماهیت جنسیتی جریانات مهاجرتی باشد. سیاستگذاری چه به صورت عام و چه به صورت خاص در حوزه مهاجرت می تواند به ۳ شیوه تدوین گردد: حساس به جنسیت^۲، خنثی نسبت به جنسیت^۳ و کور جنس^۴. این سیاستگذاری ها در کشورهای مبدا می تواند بر مهاجرت زنان تاثیرات گسترده‌ای بگذارد؛ از تاثیر بر قدرت زنان و دسترسی زنان به امکان مهاجرت تا ایجاد دلایل و انگیزه های مهاجرتی. در نتیجه اصلاح در ساختارهای سیاستگذاری در کشورهای مبدا در جهت رفع تبعیض ها نابرابری ها و دسترسی به خدمات بهداشتی و آموزش و دسترسی به بازار کار امکان مدیریت حرکت زنان را ایجاد می نماید.

1 family life-cycle

2 gender sensitive

3 gender neutral

4 gender blind

جنسیت به عنوان مولفه ای مهم در نظریات مهاجرت همواره یکی از عوامل اساسی به وجود آورنده تفاوت های اجتماعی و دسترسی های متفاوت به منابع قدرت است که می تواند تجربه ها و برداشت های گوناگونی را برای کنشگر اجتماعی رقم بزند. این متغیر، چه در فرایند برون کوچی، در دیاسپورا و در بازگشت افراد به کشور مبدا نقش مهمی ایفا می نماید. موضوع مهاجرت از منظر جنسیت امری خنثی نیست و افراد بر مبنای جنسیت خود تجربه های مهاجرتی متفاوتی را کشور مبدا، ترانزیت و همچنین مقصد در زمینه ادغام و دستیابی به منابع و فرصت ها تجربه خواهند کرد در نتیجه برای داشتن چشم اندازی جامع تر به موضوع مهاجرت، توجه به مفهوم جنسیت در تحلیل نهایی حائز اهمیت است.

مهاجرت با لنز جنسیت می تواند نتایج بسیار متفاوتی برای زنان و مردان داشته باشد و عامل جنسیت تعیین کننده این است که چه کسی مهاجرت می کند؟ چگونه مهاجرت می کند و تاثیرات این مهاجرت بر آینده زنان و خانواده های آنها چیست؟ در عرصه مهاجرت های بین المللی عمده روایت ها فاقد تفکیک جنسیتی است و مهاجران در چارچوب های متصلب از پیش تعیین شده حقوقی تجمیع شده و روایت های افراد تجربه مهاجرتی عمدتاً به صورت کلی نگاشته شده است. مطالعات جدید مهاجرت نیاز دارد که به جای نگاه کردن به جنس به عنوان یک متغیر صرف، رویکردی حساس به جنسیت در تحلیل داشته باشد.

منابع

- راهشخور، مریم، و مجتبی رفیعیان، و الهام امینی (۱۳۹۱)، بررسی نقش عوامل اجتماعی و فرهنگی بر مهاجرت دانشجویان ایرانی به خارج از کشور (نمونه موردی: دانشگاه علوم پزشکی پته، شهر پیچ کشور مجارستان). *پژوهش اجتماعی*، دوره ۵، شماره ۱۶.
- کرنشاو، کیمبرلی. (۱۳۹۶)، *ترسیم حاشیه‌ها: تقاطع یافتگی، سیاست‌های هویت و خشونت علیه زنان رنگین پوست، در گره‌گاه جنستی و دیگر نظام‌های سلطه*، گروه مترجمان، تهران: نشر شیرازه.
- کستلز، استفان و میلر، مارک (۱۳۹۶)، *عصر مهاجرت جابجایی‌های بین‌المللی جمعیت در دنیای مدرن*، مترجم: علی طایفی، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.
- سعیدی، سعیده (۲۰۲۱)، بازخوانی تمنای مهاجرت از دریچه جنسیت: فریه شدن آموزش عالی ایران در بوته نقد، (قراءة نسویه فی أمنیات الهجرة لدى النساء المتخصصات: تضخم التعليم العالی فی ایران علی محک النقد)، *مجله دراسات العلوم الانسانیة*، دوره ۲۷، شماره ۴.
- سعیدی، سعیده (۱۳۹۷)، آسیب‌شناسی مهاجرت‌های غیرمترعارف زنان، مطالعه موردی: چالش‌های زنان مهاجر افغان ساکن در ایران در کشورهای ترانزیت، *مجله جامعه فرهنگ رسانه*، سال هفتم، شماره ۲۶.
- سعیدی، سعیده (۱۳۹۶)، نقش مادر در مدیریت فضای خانه، مطالعه موردی: تأثیرات فضای مجازی در افزایش مهاجرت‌های غیرمترعارف جوانان، همایش نقش و جایگاه مادری، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران، اسفند ۱۳۹۶.
- سعیدی، سعیده (۱۳۹۸)، بازنمایی وطن در میان ذهنیت مهاجران: رهیافتی نظری به دیاسپورای ایرانی. *فصلنامه علوم اجتماعی*، دوره ۲۶، شماره ۸۷.
- سیفی، آناهیتا (۱۳۹۶)، علل و پیامدهای زنانه شدن مهاجرت بین‌المللی در پرتو امنیت انسانی با تأکید بر حقوق بین‌الملل: چالش‌ها و راهکارها، *پژوهش نامه زنان*، سال هشتم، شماره اول.
- صادقی، رسول و لیلا ولدوند (۱۳۹۴)، جنسیت و مهاجرت: تحلیل جامعه‌شناختی تفاوت‌های جنسیتی در مهاجرت‌های داخلی در ایران، *فصلنامه پژوهش‌های جامعه‌شناسی معاصر*، دوره ۴، شماره ۷.
- Abu-Lughod, L. (2013), *Do Muslim women need saving?*, Harvard University Press.
- Agustín, L. (2007), *Sex at the margins: Migration, labour markets and the rescue industry*. London: Zed Books.
- Azadi, P., & Mirramezani, M., & Mesgaran, M. (2020). Migration and brain drain from Iran. Working Paper no. 9, Stanford Iran 2040 Project.
- Bem, S. L. (1981). Gender schema theory: A cognitive account of sex typing. *Psychological Review*, 88(4)

-
-
- Bloom, L.R. (1998). *Under the sign of hope. Feminist methodology and narrative interpretation*. (Albany and New York: State University of New York Press).
 - Boyd, M. (2006). Women in international migration: the context of exit and entry for empowerment and exploitation, United Nations.
 - Boyd, M., & Nowak, J. (2013). *Gender, migration and categorization. Making distinction between migrants in Western countries, 1945-2010*. In: Schrover, M., & Moloney, D. (eds.). IMISCOE Research.
 - Bueno, L. (1996). Dominican Women's experiences of return migration: The Life Stories of Five Women. *Center for Migration Studies special issue*, 13.
 - Caritas Internationalis Working Document. (2010). The female face of migration, Background paper.
 - Cruz, R.A., Gonzales, N., Corona, M., King, K. (2014). Cultural dynamics and marital relationship quality in Mexican-origin families. *Journal of Family Psychology*, 28(6).
 - Curran, S. R., & Saguy, A. C. (2013). Migration and cultural change: A role for gender and social networks? *Journal of International Women's Studies*, 2(3).
 - Darvishpour, M. (2002). Immigrant women challenge the role of men: How the changing power relationship within Iranian families in Sweden intensifies family conflicts after immigration. *Journal of Comparative Family Studies*, 33.
 - Davis, A. (1981). *Women, race, & class*. New York: Random House.
 - Donato, K., & Alexander, J.T., & Gabaccia, D.R. & Leinonen, J. (2011). Variations in the gender composition of immigrant populations: how they matter. *International Migration Review*, 45 (3).
 - Dustmann, C. (2003). Children and return migration. *Journal Population Economic*, 16.
 - Emerek, R., & Figueiredo, H., & Gonzalez, P., & Gonas, L., & Rubery, J. (2003). Indicators on gender segregation. The European Commission.
 - Farahani, F. (2010). Sexing diaspora: negotiating sexuality in shifting cultural landscape, In: H. Moghisi & Ghorashi, H. *Muslim diaspora in the West*. Ashgate Publishing Limited.
 - Green, N. L. (2012). Changing paradigms in migration studies, from men to women to gender. *Gender and History*, 24(3).
 - Gusman, J. (2013). Recognizing the feminization of displacement: a proposal for a gender focused approach to local integration in Ecuador. *Pacific Rim Law & Policy Journal*, 22(2).
 - Hakim, C. (2010). Erotic Capital, *European Sociological Review*, 26(5).
 - Hakimzadeh, A. (2006). A vast diaspora abroad and millions of refugees at home, Washington, Migration Policy Institute.
 - Halfacree, K. (2004). A utopian imagination in migration's terra incognita? Acknowledging the non-economic worlds of migration decision-making. *Population, Space and Place*, 10.

- Hansen, P. (2008). Circumcising migration: Gendering return migration among Somalilanders. *Journal of Ethnic and Migration Studies*, 34(7).
- Hashemi, M. (2006). Immigrants and exiles: Iranian women in the United States, PhD Dissertation, The State University of New Jersey.
- Hondagneu-Sotelo, P. (1994). *Gendering transitions: Mexican experiences of immigration*. University of California Press, Berkeley.
- Hyndman, J., & Giles, W. (2011). Waiting for what? the feminization of asylum in protracted situations. *Gender, Place and Culture*, 18 (3).
- Joly, S., & Reeves, H. (2005). *Gender and Migration, Overview Report*, Bridge.
- Kabeer, N. (1994). *Reversed Realities: Gender Hierarchies in Development Thought*. United Kingdom: Verso.
- Kimmel, M. S., & Hearn, J., & Connell, R. W. (Eds.) (2004). *Handbook of studies on men and masculinities*. Thousand Oaks, California.
- Knörr, J. & B. Meier (2000). *Women and migration: Anthropological perspectives*. New York: St. Martin's Press.
- Kofman, E. (2004). Gendered global migrations. *International Feminist Journal of Politics*, 6(4).
- Lenz, I., H. & Lutz, M., & Morokvasic, C., & Schöng-Kalender & Schwenken, H. (eds) (2002). Crossing borders and shifting boundaries, vol. ii: *Gender, identities and networks*. Opladen: Carfax Publishing.
- Monsutti, A. (2007). Migration as a rite of passage: young Afghans building masculinity and adulthood in Iran. *Iranian Studies*, 40(2).
- Morokvasic, M., & Erel, U., & Shinozaki, K. (eds) (2003), Gender on the move, crossing borders and shifting boundaries, Vol. i. Opladen: Carfax Publishers.
- Nivalainen, S. (2004). Determinants of family migration, *Journal of Population Economics*, 17.
- Nourallahi, Kh. (2009). Immigrant Iranian women in search of sociopolitical and religious freedoms. MA Dissertation. San Jose State University, US.
- Oishi, N. (2005). *Women in motion: Globalization, state policies, and labor migration in Asia*. Stanford: Stanford University Press.
- Orellana, M. F., Thorne, B., Chee, A., & Lam, W. S. E. (2001). Transnational childhoods: The participation of children in transnational migration. *Social Problems*, 48.
- Pedraza, S. (1991). Women and migration: The social consequences of gender. *Annual Review of Sociology*, 17(1).
- Pessar, P., & Mahler, S. (2003). Transnational migration: Bringing gender in. *International Migration Review*, 37(3).
- Piper, N. (2009). International migration and gendered axes of stratification—introduction. In N. Piper (Ed.), *New perspectives on gender and migration—Rights, entitlements and livelihoods* (pp. 1–34). London: Routledge.

-
-
- Ravenstein, E. (1885). The laws of migration. *Journal of the Statistical Society of London*, 48(2),
 - Saidi, S. (2018). *Juggling between two worlds, sociocultural change in Afghan immigrant women's identity in Germany*, LIT Verlag, Berlin.
 - Sakka, D., Dikaiou, M., & Kiosseoglou, G. (1999). Return migration: Changing roles of men and women. *International Migration*, 37.
 - Shirazi, R., & Mossayeb, S. (2006). Education and emigration: the case of the Iranian-American community, *Current Issues in Comparative Education*, 9(1).
 - Smyth, I. (1999). NGOs in a post-feminist era, in M. Porter and E. Judd (eds.) *Feminists doing development: A practical critique*, London: Zed Books.
 - Spencer, S., & Charsley, K. (2016). Conceptualising integration: a framework for empirical research, taking marriage migration as a case study. *Comparative Migration Studies*, 4(18).
 - Sreberny, A. & Gholami, R. (2019). The Politics of Diasporic Integration: The Case of Iranians in Britain, in: Tsagarousianou, R. & Retis, J. (Eds.) *The Wiley Handbook of Diasporas, Media and Culture*. Wiley-Blackwell.
 - UN (2021). Migration data portal Report.
 - UNHCR. (1995). Sexual violence against refugees: Guidelines on prevention and response, Geneva: Office of the United Nations High Commissioner for Refugees.
 - UNHCR. (1997). Progress report on refugee women and UNHCR's framework for implementation of the Beijing platform for action', Standing Committee 9th Meeting', 15 August, ec/47/sc/crp.47.
 - Uteng, T. (2012). Gender and mobility in the developing world. Washington, DC: World Bank
 - Van Houte, M. (2016). *Return migration to Afghanistan, moving back or moving forward?*, Palgrave Macmillan.
 - Vlase, I. (2013). 'My husband is a patriot!': Gender and Romanian family return migration from Italy. *Journal of Ethnic and Migration Studies*, 39(5).
 - Wong, M. (2014). Navigating return: The gendered geographies of skilled return migration to Ghana. *Global Networks*, 14(4).
 - Zlotnik, H. (2003). The global dimensions of female migration, migration information source. *MPI*, Washington, D.C.